

طراحی مدل پدیده بی ثباتی سود گزارش شده با روش ISM

حمید روان پاک نودژ^{۱*}

ایرج اسدی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۵/۰۶/۳۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل بی ثباتی سود گزارش شده با رویکرد آمیخته انجام شده است. بی ثباتی سود گزارش شده یکی از چالش‌های اساسی در تحلیل مالی و ارزیابی عملکرد شرکت‌ها محسوب می‌شود و شناسایی ابعاد و عوامل مؤثر بر آن برای سرمایه‌گذاران و نهادهای ناظر اهمیت حیاتی دارد. جامعه آماری شامل اساتید حسابداری مالی، کارشناسان مالی شرکت‌های بورسی و حساب‌رسان رسمی در شهر تهران بود و ۲۰ نفر با روش تصادفی و بر اساس اشباع نظری انتخاب شدند. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های ساختاریافته جمع‌آوری و با روش تحلیل محتوا و کدگذاری در نرم‌افزار مکس کیودا تحلیل گردید. در بخش کمی، از پرسشنامه مدل‌سازی ساختاری تفسیری کل فازی و تحلیل با نرم‌افزار متلب استفاده شد. یافته‌های کیفی منجر به شناسایی چهار دسته مؤلفه اصلی شامل بسترهای شکل‌گیری (نوسان‌های محیطی، ساختار مالکیت، کیفیت سود عملیاتی، رویه‌های حسابداری)، ابعاد بی ثباتی (دامنه نوسان، شدت بی ثباتی، مدت زمان تداوم، الگوی تغییرات)، پیامدها (کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران، افزایش ریسک پیش‌بینی سود، نوسان قیمت سهام، کاهش ارزش بازار) و عوامل مداخله‌گر (راهبری شرکتی، ثبات مدیریت، ریسک صنعت، رژیم نظارتی) گردید. نتایج کمی نشان داد که روابط میان این مؤلفه‌ها از برازش مناسبی برخوردار است و مدل پیشنهادی می‌تواند به عنوان ابزاری جامع برای تحلیل و مدیریت بی ثباتی سود گزارش شده مورد استفاده قرار گیرد. اعتبار مدل از طریق تأیید خبرگان و تحلیل روابط ساختاری با ضریب اطمینان بالایی مورد تأیید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

بی ثباتی سود، نوسان سود، کیفیت سود، عملکرد شرکت‌ها.

^۱ استادیار گروه اقتصاد و حسابداری موسسه آموزش عالی الکترونیکی ایرانیان، تهران، ایران. (*نویسنده مسئول):

(Hamid.ravanpak@iranian.ac.ir)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری موسسه آموزش عالی الکترونیکی ایرانیان، تهران، ایران. (I.asadi25@gmail.com)

۱. مقدمه

در ادبیات مالی و حسابداری، سود گزارش شده یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی عملکرد شرکت‌ها محسوب می‌شود و ذی‌نفعان مختلف از جمله سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و تحلیلگران مالی، تصمیمات خود را به طور گسترده بر اساس این رقم کلیدی اتخاذ می‌کنند (تنانی و همکاران، ۱۴۰۲). اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود این است که سود گزارش شده شرکتها همواره از ثبات و پایداری لازم برخوردار نیست و نوسانات قابل توجهی را در دوره‌های مالی متوالی تجربه می‌کند (ترک زهرانی و همکاران، ۱۴۰۴). پدیده بی‌ثباتی سود گزارش شده به میزان تغییرپذیری سود خالص یک شرکت در بازه‌های زمانی مشخص اطلاق می‌شود و این مفهوم از طریق اندازه‌گیری واریانس یا انحراف معیار سود در دوره‌های مالی متوالی قابل محاسبه و ارزیابی است (گاننگ و همکاران، ۲۰۲۵^۱). بی‌ثباتی سود گزارش شده یکی از شاخص‌های مهم ریسک مرتبط با سرمایه‌گذاری در سهام شرکتها تلقی می‌شود و هرچه تغییرات سود یک شرکت بیشتر باشد، ریسک سرمایه‌گذاری در آن شرکت بالاتر ارزیابی می‌گردد این پدیده می‌تواند ناشی از عوامل متعددی از جمله شوک‌های اقتصادی بیرونی مانند نوسانات نرخ ارز، تغییرات قیمت مواد اولیه و رکود یا رونق صنعت باشد و یا می‌تواند ناشی از عوامل درونی شرکت مانند تغییرات مدیریتی، تصمیمات سرمایه‌گذاری و کارایی عملیاتی تلقی گردد (بروئر و همکاران، ۲۰۲۵^۲). یکی دیگر از دلایل اصلی بی‌ثباتی سود گزارش شده، نادرستی یا عدم دقت در فرآیندهای حسابداری برای تعیین درآمد و هزینه‌هاست که می‌تواند منجر به ثبت ارقامی شود که بازتاب دقیقی از عملکرد واقعی شرکت نیستند (منصوری محمدآبادی و همکاران، ۱۴۰۵) هنگامی که سود گزارش شده با نوسانات شدید همراه باشد، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران در پیش‌بینی سود آتی شرکت با مشکل مواجه می‌شوند و قابلیت اتکای اطلاعات مالی را زیر سوال می‌برند که این امر می‌تواند منجر به کاهش ارزش بازار سهام و افزایش هزینه سرمایه شرکت گردد (یحیی، ۲۰۲۵^۳). مدیران شرکتها به خوبی می‌دانند که سرمایه‌گذاران به طور طبیعی به دنبال سودهای پایدار و قابل پیش‌بینی هستند و به همین دلیل، اغلب با استفاده از ابزارهای حسابداری در چارچوب استانداردهای پذیرفته شده، سعی در کاهش نوسانات سود گزارش شده دارند (یاسین، ۲۰۲۵^۴). این اقدام که در ادبیات حسابداری با عنوان هموارسازی سود شناخته می‌شود، عبارت است از تلاش آگاهانه مدیریت برای کاهش عمدی نوسانات سود گزارش شده به منظور ارائه تصویری پایدارتر و قابل اتکاتر از عملکرد شرکت (بلاندل و همکاران، ۲۰۲۵^۵). هموارسازی سود می‌تواند از طریق جابه‌جایی در زمان شناسایی درآمدها و هزینه‌ها، تغییر در برآوردهای حسابداری مانند عمر مفید دارایی‌ها و ذخایر، و همچنین از طریق انتخاب روش‌های حسابداری جایگزین در محدوده استانداردهای موجود انجام گیرد (مباندلا و ماروزوا، ۲۰۲۵^۶). یکی از انگیزه‌های اصلی مدیران برای هموارسازی سود، افزایش اطمینان سرمایه‌گذاران و کاهش نگرانی آن‌ها در مورد نوسانات شدید سود است زیرا سودهای هموار معمولاً با ارزش بازار بالاتر و هزینه سرمایه پایین‌تری همراه هستند همچنین مدیرانی که موفق به ارائه سودهای پایدار می‌شوند، معمولاً از اعتماد بیشتری از سوی هیئت مدیره و سهامداران برخوردار می‌گردند و ممکن است پاداش‌های عملکردی بالاتری دریافت کنند (پوتری و ویلیم، ۲۰۲۴^۷). با این حال هموارسازی سود جنبه‌های منفی نیز دارد و می‌تواند

1. Ganong et al

2. Brewer et al

3. Yahaya

4. Yasin

5. Blundell et al

6. Mabandla & Marozva

7. Putri & Willim

منجر به تحریف اطلاعات و پنهان‌سازی عملکرد واقعی شرکت شود اگر این اقدامات فراتر از محدوده استانداردها و بر اساس قضاوت‌های حرفه‌ای غیرمنطقی صورت گیرد، به مدیریت سود تبدیل می‌شود که نوعی رفتار فرصت‌طلبانه از سوی مدیریت محسوب می‌گردد (موفیت و همکاران، ۲۰۲۲)^۸. مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری مانند ذخایر سنگین یا شناسایی زود هنگام درآمدها، می‌تواند سود را به طور مصنوعی افزایش داده و تصویری غیرواقعی از سلامت مالی شرکت ارائه دهد، در حالی که جریان‌های نقدی عملیاتی احتمالاً چنین وضعیتی را تأیید نمی‌کند (اوکتریس و همکاران، ۲۰۲۵)^۹. تحقیقات نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که سود خود را به صورت ساختگی هموار می‌کنند، در بلندمدت بازده سهام پایین‌تری نسبت به شرکت‌های دیگر دارند و سرمایه‌گذاران آگاه معمولاً نسبت به سودهای بیش از حد صاف و قابل پیش‌بینی بدبین هستند (آرین‌پور و اسماعیل‌زاده اصل، ۲۰۲۳)^{۱۰}. بی‌ثباتی سود گزارش شده پدیده‌ای است که ریشه در عوامل متعددی از جمله نوسانات محیط اقتصاد کلان، تغییرات صنعت، تصمیمات مدیریتی و روش‌های حسابداری دارد، اما فقدان مدلی جامع برای تبیین روابط میان این عوامل و پیامدهای آن، یکی از خلأهای جدی در ادبیات مالی محسوب می‌شود (لیم و همکاران، ۲۰۲۶)^{۱۱}. در حالی که مطالعات پیشین عمدتاً به بررسی تک‌عامل‌های مؤثر بر بی‌ثباتی سود پرداخته‌اند، هنوز الگویی که به صورت نظام‌مند و یکپارچه به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های این پدیده و روابط میان آن‌ها بپردازد، ارائه نشده است. ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که سرمایه‌گذاران، تحلیلگران و اعتباردهندگان برای ارزیابی ریسک و تصمیم‌گیری آگاهانه نیازمند درک عمیقی از علل و پیامدهای بی‌ثباتی سود هستند و نبود چنین درکی می‌تواند به تخصیص نادرست منابع مالی منجر شود. اهمیت نظری این پژوهش در ارائه مدلی جامع و چندبعدی از پدیده بی‌ثباتی سود گزارش شده است که می‌تواند مبنای پژوهش‌های آتی قرار گیرد و اهمیت عملی آن نیز در قابلیت بهره‌برداری مدیران، سرمایه‌گذاران و نهادهای ناظر از این مدل برای شناسایی، پیش‌بینی و مدیریت بی‌ثباتی سود نهفته است. نوآوری پژوهش حاضر در رویکرد ترکیبی و ارائه مدلی فراگیر است که ابعاد مختلف بی‌ثباتی سود را در کنار عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها مورد بررسی قرار می‌دهد و تاکنون مطالعه مشابهی با این جامعیت در حوزه بی‌ثباتی سود گزارش شده انجام نشده است. لذا پژوهش حاضر به دنبال دستیابی به این پرسش است که عوامل مؤثر بر شکل‌گیری پدیده بی‌ثباتی سود گزارش شده در شرکت‌ها کدامند و روابط میان این عوامل با پیامدهای بی‌ثباتی سود چگونه است و چه مدلی می‌تواند روابط میان ابعاد، علل، راهبردها و پیامدهای این پدیده را به گونه‌ای تبیین کند که قابلیت کاربرد عملی در پیش‌بینی و مدیریت بی‌ثباتی سود را داشته باشد؟

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

۲-۱. بی‌ثباتی سود گزارش شده

بی‌ثباتی سود گزارش شده به میزان تغییرپذیری و نوسان سود خالص یک شرکت در طول دوره‌های مالی متوالی اطلاق می‌شود و این مفهوم نشان‌دهنده درجه عدم اطمینان و ریسک مرتبط با جریان سودآوری شرکت است که از طریق محاسبه واریانس یا انحراف معیار سود در یک بازه زمانی مشخص قابل اندازه‌گیری و ارزیابی می‌باشد (جولی و واگنر، ۲۰۲۳)^{۱۲}. بی‌ثباتی سود گزارش شده را می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی ریسک تجاری و مالی شرکت در نظر گرفت

^۸. Moffitt et al

^۹. Oktris et al

^{۱۰}. Arianpoor & Esmailzadeh Asali

^{۱۱}. Lim et al

^{۱۲}. Jolly & Wagner

که هرچه دامنه نوسانات سود بیشتر باشد، ریسک سرمایه‌گذاری در آن شرکت بالاتر ارزیابی می‌شود و پیش‌بینی سودآوری آتی با دشواری بیشتری همراه می‌گردد (زیلیاک و همکاران، ۲۰۲۲^{۱۳}). این پدیده می‌تواند ناشی از عوامل درون سازمانی مانند تغییرات مدیریتی، ناکارآمدی عملیاتی، تصمیمات سرمایه‌گذاری نامناسب و نوسانات فروش باشد و همچنین می‌تواند متأثر از عوامل برون سازمانی مانند شوک‌های اقتصادی، تغییرات نرخ ارز، نوسانات قیمت مواد اولیه و رقابت شدید صنعتی تلقی گردد (ترک زهرانی و همکاران، ۱۴۰۳). از منظر حسابداری و گزارشگری مالی، بی‌ثباتی سود گزارش شده نه تنها بازتابی از نوسانات عملیاتی و اقتصادی است، بلکه می‌تواند تحت تأثیر روش‌ها و برآوردهای حسابداری مورد استفاده شرکت نیز قرار گیرد و انتخاب رویه‌های مختلف حسابداری می‌تواند به هموار شدن یا تشدید نوسانات سود گزارش شده منجر شود (اوگراس و ریتز، ۲۰۲۵^{۱۴}). بی‌ثباتی سود را می‌توان به دو دسته کلی بی‌ثباتی عملیاتی ناشی از تغییرات طبیعی در فعالیت‌های تجاری شرکت و بی‌ثباتی حسابداری ناشی از نحوه اعمال روش‌ها و برآوردهای حسابداری تقسیم کرد و تمایز میان این دو نوع بی‌ثباتی برای تحلیلگران و سرمایه‌گذاران از اهمیت بالایی برخوردار است (لیم و همکاران، ۲۰۲۶). یکی از ویژگی‌های مهم بی‌ثباتی سود گزارش شده، ماهیت انباشتی و بازگشتی آن است؛ بدین معنا که نوسانات سود در یک دوره می‌تواند بر انتظارات و پیش‌بینی‌های مربوط به دوره‌های بعد تأثیر بگذارد و همچنین تجربیات گذشته شرکتها در مواجهه با نوسانات، واکنش آن‌ها را به شوک‌های جدید شکل می‌دهد (موفیت و همکاران، ۲۰۲۲). بی‌ثباتی سود گزارش شده را باید از مفاهیمی مانند کاهش سود یا زیاندهی متمایز دانست، زیرا یک شرکت ممکن است سودآوری بالایی داشته باشد اما سود آن از دوره‌ای به دوره دیگر با نوسانات شدید همراه باشد و این نوسانات به خودی خود یک سیگنال هشداردهنده برای سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود (تنانی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین بی‌ثباتی سود با مفهوم کیفیت سود رابطه نزدیک اما معکوس دارد؛ به این معنا که هرچه سود یک شرکت بی‌ثباتی بیشتری داشته باشد، کیفیت آن از نظر قابلیت پیش‌بینی و اتکاپذیری پایین‌تر است و در نتیجه سرمایه‌گذاران اطمینان کمتری به آن رقم به عنوان مبنای تصمیم‌گیری خواهند داشت (آرین‌پور و اسماعیل‌زاده اصل، ۲۰۲۳). در ادبیات مالی و حسابداری، بی‌ثباتی سود گزارش شده به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی ریسک شرکت در مدل‌های قیمت‌گذاری دارایی‌های سرمایه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد و شرکت‌هایی با بی‌ثباتی سود بالا معمولاً با هزینه سرمایه بالاتری مواجه می‌شوند (اوکتریس و همکاران، ۲۰۲۵). شناخت دقیق مفهوم بی‌ثباتی سود گزارش شده نخستین گام برای طراحی مدل‌های پیش‌بینی و مدیریت این پدیده است و درک ابعاد مختلف آن می‌تواند به تحلیلگران مالی، سرمایه‌گذاران و مدیران شرکتها در اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر و کاهش ریسک‌های مرتبط با نوسانات سود کمک شایانی نماید (بروئر و همکاران، ۲۰۲۵). بی‌ثباتی سود همچنین با مفاهیمی مانند شفافیت اطلاعاتی و افشای داوطلبانه شرکت در ارتباط است و پژوهش‌ها نشان داده است که شرکت‌هایی با سطح افشای بالاتر و شفافیت اطلاعاتی بیشتر، معمولاً نوسانات سود کمتری را تجربه می‌کنند (پوتری و ویلیم، ۲۰۲۴). بی‌ثباتی سود گزارش شده یک سازه چندبعدی و پویا است که برای درک صحیح آن باید به تعامل عوامل محیطی، راهبردی و حسابداری به طور همزمان توجه کرد و نمی‌توان آن را صرفاً به یک عامل خاص مانند نوسانات فروش یا تغییرات مدیریت تقلیل داد (منصور و حسینی، ۲۰۲۶^{۱۵}).

۲-۲. پیشینه پژوهش

¹³. Ziliak et al

¹⁴. Ugras & Ritter

¹⁵. Mansour & Hussainey

منصوری محمدآبادی و همکاران (۱۴۰۵) پژوهشی با عنوان بررسی نقش تعدیلگر شرایط نااطمینانی اقتصادی و سودآوری بر رابطه بین قیمت سهام و افشای ریسک آینده‌نگر با استفاده از رویکرد ایستا و پویا انجام دادند. پژوهش حاضر با تمرکز بر نقش تعدیلگری نااطمینانی اقتصادی و سودآوری، تأثیر این عوامل را بر ارتباط میان بی‌ثباتی سود گزارش شده و ارزش شرکت بررسی کرده است. متغیر وابسته پژوهش قیمت سهام، متغیر مستقل بی‌ثباتی سود گزارش شده و متغیرهای تعدیلگر نااطمینانی اقتصادی و سودآوری هستند. برای این منظور، ۹۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۲ با روش حذف سیستماتیک انتخاب شدند و برای افزایش اعتماد به نتایج، از روش پیشرفته گشتاورهای تعمیم‌یافته استفاده گردید. بی‌ثباتی سود گزارش شده با استفاده از انحراف معیار سود خالص در دوره‌های متوالی اندازه‌گیری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سود گزارش شده تأثیر منفی و معناداری بر قیمت سهام دارد و نااطمینانی اقتصادی این رابطه را تشدید می‌کند، در حالی که سودآوری به عنوان تعدیلگر، تأثیر منفی بی‌ثباتی سود را کاهش می‌دهد. می‌توان نتیجه گرفت که بازار سرمایه ایران بیشتر تحت تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی است و سیاست‌گذاری در جهت کاهش نااطمینانی اقتصادی و بهبود شفافیت اطلاعاتی، برای مدیریت بی‌ثباتی سود گزارش شده ضروری به نظر می‌رسد. ترک زهرانی و همکاران (۱۴۰۴) تأثیر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر مدیریت سود را با مقایسه شرکت‌های کوچک در برابر بزرگ و مسن در برابر جوان بررسی کردند. نتایج نشان داد که بی‌ثباتی اقتصادی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های کوچک و بزرگ تفاوت معناداری ندارد، اما بر مدیریت سود واقعی در این دو گروه تأثیر متفاوتی دارد. همچنین، تأثیر بی‌ثباتی اقتصادی بر مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مسن و جوان تفاوت معناداری ندارد، در حالی که بر مدیریت سود واقعی در این دو گروه تأثیر متفاوت است. این پژوهش بحثی تازه درباره مشوق‌های مدیریت سود در بازارهای در حال توسعه ارائه می‌دهد و تأثیر بی‌ثباتی اقتصاد کلان بر مدیریت سود را در زمینه‌های مختلف اقتصادی و نهادی بسط می‌دهد. منصور و حسینی (۲۰۲۶) پژوهشی تحت عنوان آیا نوسانات سود رابطه بین استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۱۵ و ارزش شرکت را میانجی‌گری می‌کند؟ شواهدی از بازارهای نوظهور، انجام دادند. این پژوهش تأثیر استاندارد IFRS 15 را بر ارزش شرکت در مصر با نقش میانجی نوسانات سود بررسی می‌کند. با استفاده از داده‌های ۱۱۳ شرکت طی سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ و روش‌های GMM و SEM، یافته‌ها نشان می‌دهد که IFRS 15 مستقیماً ارزش شرکت را افزایش می‌دهد و از طریق کاهش نوسانات سود (که خود تأثیر منفی بر ارزش شرکت دارد) به بهبود ارزش شرکت کمک می‌کند. همچنین نوسانات سود نقش میانجی در این رابطه دارد و IFRS 15 رابطه منفی بین نوسانات سود و ارزش شرکت را تعدیل می‌کند. تأثیر IFRS 15 در صنایع مختلف متفاوت است. پژوهش محدودیت نمونه را پذیرفته و توصیه‌هایی برای سرمایه‌گذاران و ناظران ارائه می‌دهد. لیم و همکاران (۲۰۲۶) پژوهشی تحت عنوان پیوند بین استاندارد گزارشگری مالی بین‌المللی شماره ۹ و حاکمیت قانون بر بی‌ثباتی سود بانک‌ها، انجام دادند. این پژوهش تأثیر پذیرش استاندارد IFRS 9 و نقش تعدیلگر حاکمیت قانون را بر بی‌ثباتی سود بانک‌ها در ۱۷ کشور گروه ۲۰ طی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ بررسی کرده است. نتایج نشان می‌دهد که بانک‌های کشورهای با حاکمیت قانون بالا بی‌ثباتی سود کمتری دارند و پس از پذیرش IFRS 9، بی‌ثباتی سود بانک‌ها به طور معناداری کاهش یافته است. همچنین حاکمیت قانون رابطه بین IFRS 9 و بی‌ثباتی سود را تعدیل می‌کند. یافته‌ها تأیید می‌کنند که IFRS 9 در کاهش بی‌ثباتی سود مؤثر است و کشورهای با کیفیت نهادی ضعیف باید استانداردهای حسابداری سخت‌گیرانه‌تری را به کار گیرند. با این حال، بهبود صرف قوانین کافی نیست؛ بلکه اجرای مؤثر آنها برای جلوگیری از دستکاری سود ضروری

است. این مطالعه از این جهت نوآورانه است که بر خلاف پژوهش‌های پیشین که بیشتر بر شاخص‌های مبتنی بر بازار متمرکز بودند، تأثیر مستقیم IFRS 9 و حاکمیت قانون را بر بی‌ثباتی سود بانک‌ها بررسی می‌کند. اوکتریس و همکاران (۲۰۲۵) پژوهشی تحت عنوان عدم قطعیت محیطی، بی‌ثباتی سود و نقش آن‌ها در تقلب در صورت‌های مالی، انجام دادند. این پژوهش تأثیر دو عامل عدم قطعیت محیطی و بی‌ثباتی سود را بر وقوع صورت‌های مالی متقلبانه در شرکت‌های تولیدی اندونزی بررسی کرده است. با تحلیل داده‌های ۱۸۸ شرکت طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۳، نتایج نشان داد که بی‌ثباتی سود تأثیر مثبت و معناداری بر تقلب در صورت‌های مالی دارد، اما عدم قطعیت محیطی تأثیر معناداری ندارد. همچنین اثر تعاملی این دو متغیر نیز بررسی شده که نوآوری پژوهش محسوب می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که نوسانات بالا در سود شرکت می‌تواند هشداردهنده دستکاری مالی باشد. به ناظران و حساب‌رسان توصیه می‌شود که بی‌ثباتی سود را به دقت پایش کرده و مکانیسم‌های کنترل داخلی و حاکمیت شرکتی را برای پیشگیری از تقلب تقویت کنند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد آمیخته طراحی شده و از ترکیب روش‌های کیفی و کمی بهره می‌برد. این مطالعه در چارچوب پارادایم قیاسی-استقرایی قرار دارد و از نظر هدف، کاربردی و در زمره پژوهش‌های اکتشافی محسوب می‌شود. جامعه آماری این پژوهش شامل اساتید حسابداری مالی، کارشناسان مالی شرکت‌های بورسی، و حساب‌رسان رسمی در شهر تهران می‌باشد. نمونه‌گیری به روش تصادفی انجام شد و بر اساس اصل اشباع نظری، تعداد ۲۰ نفر از این افراد به عنوان اعضای نمونه انتخاب شدند؛ زیرا در مصاحبه‌های ۱۸، ۱۹ و ۲۰ اطلاعات جدیدی به دست نیامد که بتواند به داده‌های قبلی افزوده شود. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی، مصاحبه‌های ساختارمند بود. هر مصاحبه توسط محققین و در بازه زمانی ۳۰ تا ۴۰ دقیقه انجام شد و نکات کلیدی مورد اشاره خبرگان، به دقت یادداشت‌برداری گردید. در بخش کمی، ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه مدل‌سازی ساختاری تفسیری کل فازی بود. این پرسشنامه به صورت یک ماتریس [۱۶×۱۶] طراحی شد. پرسشنامه به روش‌های حضوری، تلفنی و ایمیلی در اختیار همان ۲۰ خبرگان مرحله قبل قرار گرفت و از آنان درخواست شد که بر اساس الگوریتم مدل‌سازی ساختاری تفسیری به پرسش‌ها پاسخ دهند (جدول‌های ۴ و ۵). برای اطمینان از روایی و پایایی ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کیفی، از روش محتوایی و روایی نظری استفاده شد و پایایی با بررسی درون کدگذار و میان کدگذار سنجیده شد. ضریب توافق ۰٫۸۱ برای درون کدگذار و ۰٫۷۹ برای میان کدگذار نشان‌دهنده اعتبار مناسب داده‌ها بود. در بخش کمی نیز، روایی از طریق اعتبار محتوا و پایایی از طریق بازآزمون ارزیابی شد که ضریب ۰٫۸۴، تأیید‌کننده پایایی پرسشنامه بود. برای تحلیل داده‌ها در بخش کیفی، روش تحلیل محتوا و کدگذاری با استفاده از نرم‌افزار Maxqda کار گرفته شد. در بخش کمی، تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری کل فازی و با کمک نرم‌افزار Matlab انجام شد. این روش امکان بررسی روابط میان مولفه‌های بی‌ثباتی سود گزارش شده و تحلیل داده‌های پیچیده را با دقت بالا فراهم می‌سازد و نتایج قابل اتکا برای مدل‌سازی بی‌ثباتی سود گزارش شده ارائه می‌کند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. یافته‌های جمعیت شناختی

در پژوهش حاضر یافته‌های جمعیت شناختی مشتمل بر بررسی ویژگی‌های دموگرافیک اعضای نمونه است که در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره (۳)، ویژگی های جمعیت شناختی نمونه

جنسیت	فراوانی	سابقه کاری	فراوانی نی	مدرک تحصیلی	فراوانی نی	شغل	فراوانی
مرد	۱۳	کمتر از ۱۰	۵	کارشناسی	۳	کارشناس و	۱۴
زن	۷	۱۱ تا ۲۰	۹	کارشناسی ارشد	۴	حسابرسان	۶
		بالاتر از ۲۰	۶	دکتری	۱۳	استاد	

۲-۴. یافته‌های بخش کمی

در این پژوهش و در بخش کیفی با استفاده از مصاحبه با خبرگان داده‌های مورد نظر که مشتمل بر ۱۶ مؤلفه هستند، شناسایی شدند. این عوامل با استفاده از روش کدگذاری و با بهره‌گیری از نرم‌افزار Maxqda مورد شناسایی قرار گرفت. در خصوص نحوه کدگذاری و استخراج داده‌های کیفی لازم به ذکر است که با توجه به ماهیت سؤالات و نحوه پاسخگویی خبرگان که عیناً واژگان و عبارات مورد اشاره ایشان به صورت مؤلفه‌های مرتبط با بی‌ثباتی سود گزارش شده بود، از روش کدگذاری زنده استفاده شد که شرح کامل عوامل شناسایی شده به صورت جدول زیر است.

جدول (۴)، عوامل مؤثر در شکل‌گیری مدل بی‌ثباتی سود گزارش شده

کدهای باز	کدهای محوری	کدهای انتخابی	مقولات
تورم، نرخ ارز، تحریم، قیمت مواد اولیه، بحران مالی، تغییر سیاست‌های پولی، بی‌ثباتی سیاسی، نوسان نرخ بهره، شوک های نفتی، تغییر قوانین تجاری، ریسک ژئوپلیتیک، نوسان تقاضای کل، بحران بانکی، کسری بودجه، نوسان نرخ تورم	نوسان اقتصادی، تغییر نرخ ارز، تلاطم سیاسی	نوسان‌های محیطی	
سهامدار عمده، سهام شناور آزاد، مالکیت دولتی، سهامدار نهادی، مدیریت خانوادگی، پراکندگی سهام، سهامدار خارجی، مالکیت تعاونی، تمرکز مالکیت، نوع سهام، ترکیب سهامداران، قدرت رای، کنترل مدیریتی، ساختار هلدینگ، سهامدار فرصت طلب	تمرکز مالکیت، نوع سهامدار، ترکیب هیئت مدیره	ساختار مالکیت	بسترهای شکل‌گیری بی‌ثباتی سود گزارش شده
اقدام تعهدی، جریان نقد عملیاتی، هزینه استهلاک، ذخیره‌گیری، سود غیرتکراری، دقت پیش‌بینی، پایداری سود، نقدی بودن سود، قابلیت رویت سود، همبستگی با جریان نقد، اقدام غیرعادی، سود عملیاتی خالص، حاشیه سود، بازده دارایی‌ها، ثبات حاشیه سود	پایداری سود، نقدی بودن سود، قابلیت پیش‌بینی	کیفیت سود عملیاتی	
لایفو، فایفو، هزینه یابی، تجدید ارزیابی،	روش شناسایی درآمد، سیاست		

مقولات	کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
عوامل مداخله‌جو و همبسته در بی ثباتی سود گزارش شده	راهبری شرکتی	استهلاک، روش ارزشیابی موجودی	تغییر روش حسابداری، برآوردهای حسابداری، روش شناسایی درآمد، سیاست استهلاک، روش ارزشیابی موجودی، روش تسعیر ارز، روش ترکیب واحدها، رویه ذخیره مطالبات، رویه سرمایه‌گذاری، رویه هزینه‌سازی، روش تخصیص بهای تمام شده
			استقلال اعضا، اندازه هیئت، کمیته حسابرسی، افشای به موقع، حسابرسی داخلی، پاداش مدیران، شفافیت اطلاعات، ساختار هیئت مدیره، سیستم کنترل داخلی، حق رای، کمیته انتصابات، کمیته ریسک، گزارشگری مالی، نظارت خارجی، مسئولیت اجتماعی
			تغییر مدیرعامل، جابجایی مالی، سابقه مدیریت، چرخش مدیران، ثبات تیم اجرایی، طول تصدی، تجربه مدیرعامل، تداوم مدیریت، نرخ جابجایی، جانشین‌پروری، ثبات اعضای هیئت مدیره، ثبات مدیر مالی، ثبات مدیر عملیاتی، دوره تصدی متوسط، جابجایی داوطلبانه
			تمرکز بازار، موانع ورود، حساسیت به نرخ ارز، شدت رقابت، فصلی بودن، نوآوری فناوری، چرخه عمر صنعت، نوسان تقاضا، مقررات بخشی، رقابت جهانی، جایگزینی محصول، وابستگی به مواد اولیه، حاشیه سود صنعت، ریسک قانونی، ریسک زیست‌محیطی
			سازمان بورس، قوانین مالیاتی، استانداردهای حسابداری، جرایم، بازرسی، الزامات گزارشگری، شدت نظارت، الزامات افشا، نفوذ نهاد ناظر، قوانین مبارزه با پولشویی، دستورالعمل‌های افشا، مقررات حاکمیت شرکتی، قوانین بازار سرمایه، محدودیت‌های معاملاتی، الزامات حسابرسی
ابعاد بی ثباتی سود		نوسان مثبت، نوسان منفی، دامنه تغییرات	انحراف معیار، واریانس، دامنه بین چارکی، بازه سود، ضریب تغییرات، حداکثر نوسان

مقولات	کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
گزارش شده	دامنه نوسان	نوسان شدید، نوسان ملایم، نوسان متوسط	حداقل نوسان، دامنه تغییرات مطلق، دامنه نسبی، فاصله چارک اول تا سوم، بازه اطمینان، خطای استاندارد، دامنه نوسان سالانه، دامنه نوسان فصلی، دامنه نوسان ماهانه
			ضریب نوسان، جهش سود، افت ناگهانی، نوسان سالانه، تکانه سود، شتاب تغییرات، نوسان شدید، نوسان ملایم، نوسان متوسط، ضریب تغییرپذیری، شاخص نوسان، تلاطم سود، پراکندگی سود، دامنه نوسان به میانگین، نوسان نرمال شده
			تعداد دوره، تداوم نوسان، توالی تغییرات، بازگشت به میانگین، طول دوره بی‌ثباتی، پایداری نوسان، مدت زمان مثبت، مدت زمان منفی، میانگین طول دوره، حداکثر تداوم، حداقل تداوم، دوره بازگشت، تداوم نوسان مثبت، تداوم نوسان منفی، طول فاز بی‌ثباتی
پیامدهای شکل‌گیری بی‌ثباتی سود گزارش شده	کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران	تغییر روند، تغییر فصلی، تغییر چرخه‌ای	روند صعودی، روند نزولی، الگوی تصادفی، الگوی منظم، تکرارپذیری، همبستگی سریالی، الگوی فصلی، الگوی چرخه‌ای، الگوی غیرخطی، الگوی نمایی، الگوی سینوسی، الگوی پلکانی، الگوی تصادفی ساده، الگوی رونددار، الگوی نوسانی
			کاهش خرید سهام، افزایش فروش، بازده غیرعادی، شکایت سهامداران، کاهش تجدیدپذیری، کاهش نقدشوندگی، کاهش تقاضا، افزایش عرضه، افت قیمت، کاهش حجم معاملات، فرار سرمایه، افزایش شاخص ترس، کاهش اعتماد به مدیریت، کاهش پیش‌بینی مثبت، افزایش فروش استقرایی
			خطای تحلیلگران، اختلاف پیش‌بینی، بازنگری مکرر، عدم توافق، ضریب خطا، بازه اطمینان وسیع، پراکندگی پیش‌بینی، کاهش همگرایی، افزایش اختلاف نظر،
پیامدهای شکل‌گیری بی‌ثباتی سود گزارش شده	افزایش ریسک پیش‌بینی سود	عدم اطمینان، افزایش محافظه‌کاری، خروج سرمایه	دقت پایین، خطای پیش‌بینی، پراکندگی پیش‌بینی

مقولات	کدهای انتخابی	کدهای محوری	کدهای باز
			خطای مطلق، خطای نسبی، پیش‌بینی خوش‌بینانه، پیش‌بینی بدبینانه، عدم قطعیت پیش‌بینی، تکرار تجدید نظر
			بتا، نوسان روزانه، دامنه نوسان قیمت، صف فروش، وقفه معاملاتی، نوسان تاریخی، نوسان ضمنی، تلاطم قیمتی، بازده غیرعادی، شکاف قیمتی، نوسان هفتگی، نوسان ماهانه، نوسان سالانه، نوسان لحظه‌ای، نوسان باز و بسته
			نسبت پی به ای، ارزش دفتری، ارزش بازار، کیوتو به ارزش بازار، بازده سهام، هزینه حقوق صاحبان سهام، کاهش سرمایه، کاهش ارزش ذاتی، ارزش نهایی، ارزش فعلی، قیمت سهام کاهشی، ارزش برند، ارزش دارایی نامشهود، ارزش جایگزینی، ارزش تصفیه
	کاهش ارزش بازار	کاهش قیمت سهام، کاهش ارزش ذاتی، افزایش هزینه سرمایه	
	نوسان قیمت سهام	تلاطم قیمت، بازده غیرعادی، شکاف قیمتی	

۳-۴. یافته‌های بخش کمی

به دست آوردن ماتریس روابط درونی متغیرها (SSIM)

پس از آن که مؤلفه‌های مرتبط با بی‌ثباتی سود گزارش شده شناسایی شد، نوبت به وارد کردن آن‌ها در ماتریس ساختاری می‌شود. این ماتریس به اندازه مؤلفه‌های مرتبط با بی‌ثباتی سود گزارش شده می‌باشد که در سطر و ستون آن تمامی مؤلفه‌ها به ترتیب ذکر می‌شود. در واقع جهت تشکیل ماتریس روابط درونی متغیرها از خبرگان در فرایند ISM خواسته می‌شود تا بر اساس اصول زیر ماتریس را تکمیل نمایند.

جدول شماره (۵)، تعاریف نمادها

نماد	تعریف	نماد	تعریف
V	یعنی آ متجر به Z می‌شود	X	برای نشان دادن تأثیر دوطرفه (بعداً به Z و بعداً به A)
A	یعنی Z متجر به آ می‌شود	O	برای نشان دادن عدم وجود رابطه بین دو بعد

سپس با استفاده از نظرات خبرگان ماتریس ساختاری روابط درونی متغیرها به شرح جدول شماره (۶) تشکیل شد.

جدول شماره (۶)، ماتریس ساختاری روابط درونی متغیرها

مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
کاهش ارزش بازار		V	X	X	A	A	A	O	V	V	V	O	O	O	V	V
نوسان قیمت سهام			O	A	A	A	A	O	V	V	V	X	A	O	O	V
افزایش ریسک				X	A	O	O	O	V	X	V	X	O	O	V	V

مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
پیش‌بینی سود																
کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران					X	A	A	O	V	X	V	V	X	V	V	X
دامنه نوسان						A	O	O	V	V	V	V	X	V	V	V
شدت بی‌ثباتی								O	V	V	V	V	O	V	O	V
مدت زمان نوسان								O	V	V	O	V	V	O	V	V
الگوی تغییرات									V	V	O	V	O	V	V	V
راهبری شرکتی										X	V	X	V	V	V	V
رژیم نظارتی											X	X	V	O	V	V
ریسک صنعت												A	V	O	V	V
ثبات مدیریت													V	V	V	V
نوسان‌های محیطی														V	X	V
ساختار مالکیت															V	V
کیفیت سود عملیاتی																A
رویه‌های حسابداری																

۴-۴. به‌دست آورد ماتریس دستیابی

- ماتریس دستیابی با جایگزین ساختن نمادهای موجود در ماتریس SSIM به اعداد صفر و یک بر حسب قواعد زیر عمل می‌کند:
- اگر نماد خانه (i,j) معادل V باشد؛ آنگاه ارزش آن خانه معادل ۱ و ارزش خانه قرینه صفر می‌باشد.
- اگر نماد خانه (i,j) معادل A باشد؛ آنگاه ارزش آن خانه معادل صفر و ارزش خانه قرینه ۱ می‌باشد.
- اگر نماد خانه (i,j) معادل X باشد؛ آنگاه ارزش آن خانه و ارزش خانه قرینه ۱ خواهد بود.
- اگر نماد خانه (i,j) معادل O باشد؛ آنگاه ارزش آن خانه و ارزش خانه قرینه صفر خواهد بود.

جدول شماره (۷)، ماتریس دستیابی اولیه

مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶
کاهش ارزش بازار	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱
نوسان قیمت سهام	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱
افزایش ریسک پیش‌بینی سود	۱	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱
کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران	۱	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
دامنه نوسان	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱
شدت بی‌ثباتی	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۰	۱
مدت زمان نوسان	۱	۱	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۱	۱	۰	۱	۱

[illegible]

۴-۵. سازگار کردن ماتریس دستیابی

بعد از به دست آمدن ماتریس اولیه، باید سازگاری درونی آن نیز برقرار شود. یعنی اگر عامل A منجر به عامل B شود و عامل B هم منجر به عامل C شود، در نتیجه عامل A باید منجر به عامل C شود. و اگر در ماتریس دستیابی این حالت برقرار نباشد باید ماتریس اصلاح شده و روابطی که از قلم افتاده جایگزین شوند. در این پژوهش برای سازگار کردن ماتریس از نرم افزار Matlab استفاده شد که نتایج آن در جدول شماره (۶) قابل مشاهده است.

جدول شماره (۸). ماتریس دستیابی سازگاری شده

[illegible]

مؤلفه ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	میزان نفوذ
ساختار مالکیت	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۵
کیفیت سود عملیاتی	۰	۱	۰	۱	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۷
رویه های حسابداری	۱	۱	۱	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱۳
میزان وابستگی	۱۱	۱۴	۱۴	۱۶	۱۱	۳	۲	۱	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	

۴-۶. تعیین سطح و اولویت بندی متغیرها

در روش مدل سازی ساختاری تفسیری، برای تعیین سطح و اولویت متغیرها، مجموعه های ورودی و خروجی برای هر متغیر مشخص می شود. در این مرحله پس از تعیین مجموعه ورودی و خروجی، مجموعه مشترک برای هر متغیر نیز تعیین می گردد. سپس به منظور اولویت بندی، متغیرهایی که مجموعه خروجی و مشترک آنها کاملاً مشابه باشد، در بالاترین سطح از سلسله مراتب مدل ISM قرار می گیرند. برای مشخص کردن اجزای سطح بعدی سیستم، متغیر سطح بندی شده از جدول حذف و با بقیه متغیرهای باقی مانده جدول بعدی شکل داده می شود و این عمل تا تعیین سطح همه متغیرها ادامه داده خواهد شد. جدول شماره (۷) سطح بندی متغیرها را نشان می دهد.

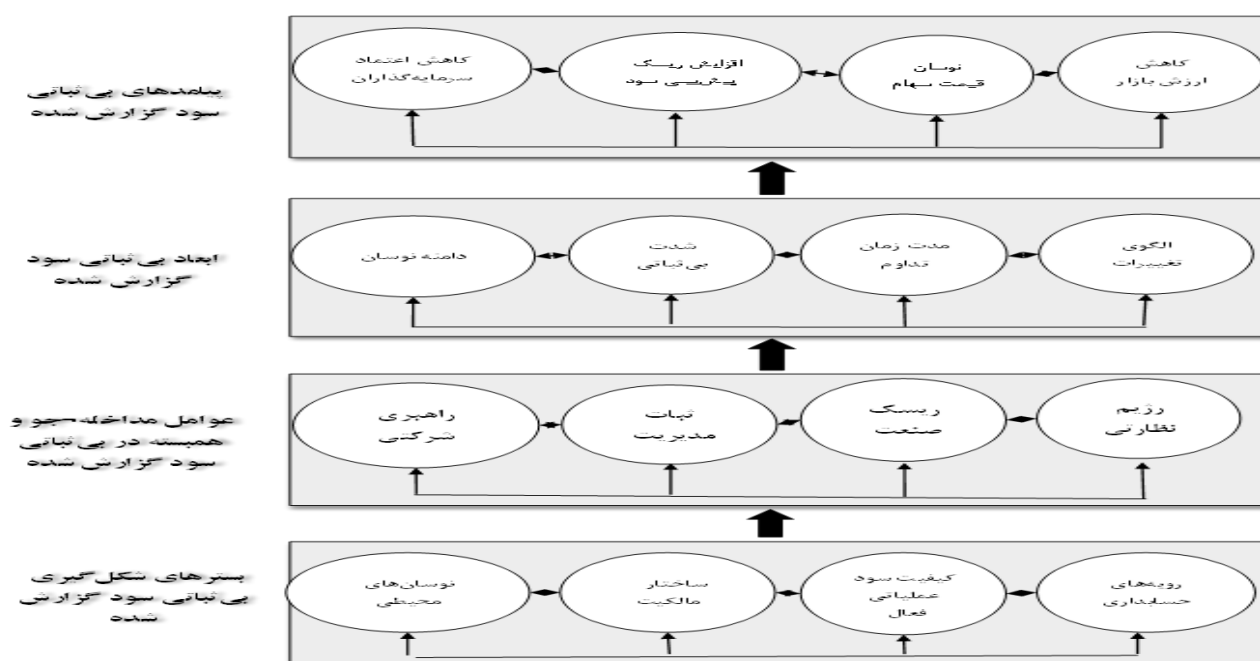
جدول ۷. تعیین سطوح متغیرها (جدول تلفیق تناوب اول تا چهارم)

متغیرها	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	مجموعه مشترک	سطح
کاهش ارزش بازار	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16	1,2,3,4,5,9,10,11,12,13,14,15,16	1,2,3,4,5,9,10,11,12,13,14,15,16	اول
نوسان قیمت سهام	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16	4,13,14,15,16	4,13,14,15,16	اول
افزایش ریسک پیش بینی سود	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16	2,4,5,13,14,15,16	2,4,5,13,14,15,16	اول
کاهش اعتماد سرمایه گذاران	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12,13,14,15,16	1,2,3,4,5,9,10,11,12,13,14,15,16	1,2,3,4,5,9,10,11,12,13,14,15,16	اول
دامنه نوسان	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12	2,3,4,5,9,10,11,12	2,3,4,5,9,10,11,12	دوم
شدت بی ثباتی	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12	1,2,3,4,5,9,10,11,12	1,2,3,4,5,9,10,11,12	دوم
مدت زمان نوسان	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12	2,3,4,5,9,10,11,12	2,3,4,5,9,10,11,12	دوم
الگوی تغییرات	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11,12	1,2,3,4,5,9,10,11,12	1,2,3,4,5,9,10,11,12	دوم
راهبری شرکتی	۶,۷,۱,۳,۴,۵	۱,۳,۴,۵	۱,۳,۴,۵	سوم
رژیم نظارتی	۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸	۲,۳,۴	۲,۳,۴	سوم
ریسک صنعت	۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸	۱,۲,۳,۴,۵	۱,۲,۳,۴,۵	سوم
ثبات مدیریت	۱,۲,۳,۴,۵,۶,۷,۸	۱,۲,۳,۴,۵	۱,۲,۳,۴,۵	سوم
نوسان های محیطی	5,6,7	۵	۵	چهارم
ساختار مالکیت	۶	۶	۶	چهارم
کیفیت سود عملیاتی	۷	۷	۷	چهارم

متغیرها	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	مجموعه مشترک	سطح
رویه‌های حسابداری	۶۸	۸	۸	چهارم

۷-۴. ترسیم مدل

بعد از آن که سطح‌بندی انجام شد و تعیین روابط مشخص شد، می‌توان مدل نهایی آن را با توجه به ماتریس دستیابی سازگار شده ترسیم کرد. به همین منظور ابتدا متغیرها برحسب سطح از بالا به پایین مرتب می‌شوند. در پژوهش حاضر در چهار سطح مؤلفه‌های مرتبط با بی‌ثباتی سود گزارش شده دسته‌بندی شدند.



شکل شماره ۱، مدل بی‌ثباتی سود گزارش شده

۷-۴. تجزیه و تحلیل MICMAC

در این تجزیه و تحلیل متغیرها برحسب قدرت نفوذ و قدرت وابستگی به چهار دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول شامل متغیرهای خودمختار است که قدرت نفوذ و وابستگی ضعیفی دارند و یا به عبارتی ارتباطات اندک و ضعیفی با سیستم برقرار می‌کنند. متغیرهای وابسته دومین دسته را تشکیل می‌دهند که دارای قدرت نفوذ اندک ولی از قدرت وابستگی بالایی برخوردار می‌باشند. سومین دسته متغیرهای متصل نامیده می‌شوند که قدرت نفوذ و وابستگی زیادی دارند، این گونه متغیرها غیر ایستا هستند، یعنی هرگونه تغییر در آن‌ها می‌تواند سیستم را تحت تأثیر قرار دهد. و دسته چهارم شامل متغیرهای مستقل می‌باشد که قدرت نفوذ بالا و وابستگی پایینی دارند. نمودار شماره (۱) میزان قدرت نفوذ و وابستگی متغیرها را نشان می‌دهد.

مستقل																متصل			
قدرت نفوذ	۱۶																		
	۱۵															۵			
	۱۴																		
	۱۳	۸	۷	۶													۳	۴	۱۳
	۱۲															۱	۲،۹	۱۱	
	۱۱																		
	۱۰																		
	۹																		
	۸																		
	۷																	۱۵	
	۶																		
	۵																	۱۴	
	۴																		
	۳																		
	۲																		
	۱																		
																۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
خودمختار																وابسته			
																میزان وابستگی			

نمودار شماره (۱)، تجزیه و تحلیل Micmac

۵. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدلی جامع برای تبیین پدیده بی ثباتی سود گزارش شده بر اساس نظر خبرگان دانشگاهی، کارشناسان مالی و حسابرسان رسمی انجام شده است. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که بی ثباتی سود گزارش شده یک پدیده چندبعدی و سیستمی است که تحت تأثیر بسترهای شکل‌گیری، ابعاد گوناگون، پیامدهای مشخص و عوامل مداخله‌گر قرار دارد و نمی‌توان آن را صرفاً ناشی از یک عامل خاص مانند نوسان فروش یا رویه‌های حسابداری دانست. تحلیل دیدگاه‌های خبرگان نشان داد چهار بستر اصلی شامل نوسان‌های محیطی، ساختار مالکیت، کیفیت سود عملیاتی و رویه‌های حسابداری، زمینه‌ساز بی ثباتی سود گزارش شده هستند. در این میان نوسان‌های محیطی به عنوان تأثیرگذارترین بستر شناسایی شد و تغییرات نرخ ارز، نوسانات قیمت مواد اولیه و نااطمینانی‌های سیاسی، مستقیماً بر درآمدها و هزینه‌ها تأثیر می‌گذارند و نوسان سود را تشدید می‌کنند. شرکت‌های فعال در صنایع پرنوسان ذاتاً با سود بی ثبات‌تری مواجه هستند و این بی ثباتی خارج از کنترل مدیریت است. ساختار مالکیت به عنوان بستر دوم نشان می‌دهد که تمرکز مالکیت، نوع مالک و حضور سرمایه‌گذاران نهادی فعال، بر انگیزه مدیریت برای هموارسازی سود تأثیر می‌گذارند. شرکت‌های با مالکیت نهادی قوی نظارت بیشتری داشته و انگیزه کمتری برای پنهان‌سازی نوسان‌ها دارند. کیفیت سود عملیاتی به عنوان سومین بستر نقش محوری ایفا می‌کند؛ سودی که عمدتاً از فعالیت‌های اصلی و پایدار شرکت حاصل شود نوسان کمتری

دارد، در حالی که سود متکی بر ارقام غیرتکرارشونده و فعالیت‌های مالی ذاتاً ناپایدار است. شرکت‌هایی با کیفیت سود عملیاتی پایین، نوسان بیشتری را در سود گزارش شده تجربه می‌کنند و این نوسان اغلب برای سرمایه‌گذاران قابل پیش‌بینی نیست. رویه‌های حسابداری به عنوان چهارمین بستر، اگرچه در مقایسه با عوامل محیطی تأثیر کمتری دارد، اما می‌تواند به عنوان ابزاری برای هموارسازی یا تشدید نوسان عمل کند. انتخاب روش استهلاک، نحوه شناسایی درآمد، برآورد ذخایر و سایر ارقام تعهدی، همگی می‌توانند بر نوسان سود گزارش شده تأثیر بگذارند. خبرگان اشاره کردند که شرکت‌هایی با رویه‌های محافظه‌کارانه، معمولاً سود هموارتری نسبت به شرکت‌هایی با رویه‌های خوش‌بینانه دارند. ابعاد بی‌ثباتی سود در این پژوهش شامل دامنه نوسان، شدت بی‌ثباتی، مدت زمان تداوم و الگوی تغییرات است. دامنه نوسان تفاوت بین بیشترین و کمترین سود گزارش شده در یک بازه زمانی را نشان می‌دهد و هرچه این دامنه بیشتر باشد، ریسک درک شده توسط سرمایه‌گذاران بالاتر می‌رود. شدت بی‌ثباتی به تغییرات ناگهانی و غیرمنتظره سود اشاره دارد که معمولاً ناشی از شوک‌های اقتصادی یا اشتباهات مدیریتی است. شرکت‌هایی با شدت بی‌ثباتی بالا، سود آن‌ها در معرض نوسانات شدید و قابل پیش‌بینی قرار می‌گیرد. مدت زمان تداوم به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا بی‌ثباتی سود کوتاه‌مدت و گذراست یا مزمن و ساختاری. بی‌ثباتی مزمن که ریشه در عوامل ساختاری دارد، بسیار خطرناک‌تر از بی‌ثباتی موقتی ناشی از شوک‌های گذرا است. الگوی تغییرات به عنوان چهارمین بعد، اطلاعات مهمی درباره ماهیت بی‌ثباتی ارائه می‌دهد. الگوی افزایشی با الگوی کاهشی و الگوی چرخه‌ای با الگوی تصادفی از نظر ریسک و قابلیت پیش‌بینی تفاوت معناداری دارند. خبرگان تأکید کردند که شناسایی این ابعاد به تحلیلگران و سرمایه‌گذاران امکان می‌دهد تا نوع، شدت، تداوم و الگوی بی‌ثباتی سود را به طور دقیق‌تری تشخیص دهند و تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند. پیامدهای بی‌ثباتی سود در چهار دسته کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران، افزایش ریسک پیش‌بینی سود، نوسان قیمت سهام و کاهش ارزش بازار طبقه‌بندی شده است. کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران به عنوان نخستین پیامد، زمانی رخ می‌دهد که سرمایه‌گذاران درک کنند سود گزارش شده قابل اتکا و پیش‌بینی نیست و این بی‌اعتمادی به تدریج به کل اطلاعات مالی شرکت تسری می‌یابد. سرمایه‌گذاران نهادی و خرد هر دو به دنبال سودهای پایدار هستند و بی‌ثباتی سود، تصویر یک شرکت پرریسک و غیرشفاف را در ذهن آن‌ها ایجاد می‌کند. افزایش ریسک پیش‌بینی سود به عنوان دومین پیامد، نتیجه مستقیم بی‌ثباتی سود است و هنگامی که تحلیلگران مالی نتوانند با اطمینان سود آتی را پیش‌بینی کنند، پوشش تحلیلی شرکت کاهش می‌یابد و خطای پیش‌بینی افزایش می‌یابد. این امر به نوبه خود هزینه سرمایه را افزایش می‌دهد زیرا سرمایه‌گذاران بازده بالاتری را برای تحمل این عدم قطعیت طلب می‌کنند. نوسان قیمت سهام به عنوان سومین پیامد، واکنش مستقیم بازار به اخبار سود نوسانی را نشان می‌دهد. شرکت‌هایی با سود بی‌ثبات، معمولاً با نوسان قیمت شدیدتری مواجه هستند که ریسک سیستماتیک آن‌ها را افزایش می‌دهد. کاهش ارزش بازار به عنوان چهارمین و مهمترین پیامد بلندمدت، نتیجه نهایی تمامی پیامدهای قبلی است. کاهش اعتماد، افزایش ریسک پیش‌بینی و نوسان قیمت، همه در نهایت به کاهش ارزش بازار شرکت منجر می‌شوند. شرکت‌هایی با بی‌ثباتی سود بالا معمولاً با نسبت قیمت به سود پایین‌تر، هزینه سرمایه بالاتر و در نتیجه ارزش بازار کمتری نسبت به شرکت‌های مشابه با سود پایدار مواجه هستند. عوامل مداخله‌گر شامل راهبری شرکتی، ثبات مدیریت، ریسک صنعت و رژیم نظارتی هستند که می‌توانند رابطه بین بسترهای شکل‌گیری و ابعاد بی‌ثباتی سود را تعدیل کنند. راهبری شرکتی قوی با مکانیسم‌هایی مانند استقلال هیئت مدیره، وجود کمیته حسابرسی فعال و شفافیت اطلاعاتی، توانایی کاهش بی‌ثباتی سود را حتی در حضور نوسان‌های محیطی بالا دارد. شرکت‌هایی با راهبری شرکتی ضعیف، بیشتر در معرض

مدیریت سود و هموارسازی ساختگی قرار دارند. ثبات مدیریت به عنوان دومین عامل مداخله‌گر، نقش مهمی ایفا می‌کند. شرکت‌هایی با جابجایی مکرر مدیرعامل یا تغییرات مداوم در تیم مالی، به دلیل فقدان تداوم در سیاست‌ها، سود بی‌ثبات‌تری دارند. در مقابل، مدیریت باثبات با ایجاد رویه‌های یکسان، به هموارسازی طبیعی سود کمک می‌کند. ریسک صنعت به عنوان سومین عامل، می‌تواند نقش تعدیل‌گر دوگانه ایفا کند. در صنایع با ریسک بالا، اثر نوسان‌های محیطی بر بی‌ثباتی سود تشدید می‌شود، در حالی که در صنایع کم‌ریسک، شرکت‌ها می‌توانند با تکیه بر ثبات صنعت، نوسان سود خود را کاهش دهند. رژیم نظارتی به عنوان چهارمین عامل مداخله‌گر، در سال‌های اخیر به عنوان یک تعدیلگر قوی ظاهر شده است. شرکت‌هایی که تحت رژیم نظارتی سختگیرانه‌تری عمل می‌کنند، دامنه کمتری برای مدیریت سود و پنهان‌سازی نوسان‌ها دارند و بی‌ثباتی واقعی سود آن‌ها شفاف‌تر گزارش می‌شود. مدل طراحی شده در این پژوهش با بهره‌گیری از نظرهای خبرگان دانشگاهی، کارشناسان مالی و حسابرسان رسمی، چارچوبی جامع و نظام‌مند برای تحلیل، اندازه‌گیری و مدیریت بی‌ثباتی سود گزارش شده ارائه می‌دهد. این مدل بر خلاف مدل‌های پیشین که عمدتاً تک‌عامل‌گرا بودند، به صورت چندبعدی به پدیده بی‌ثباتی سود می‌نگرد و نقش تعدیل‌گر عوامل مداخله‌گر را نیز در نظر می‌گیرد. اعتبار مدل از طریق بررسی دیدگاه‌های خبرگان و تأیید روایی محتوایی مؤلفه‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سود گزارش شده یک پدیده پیچیده و متأثر از تعامل عوامل محیطی، ساختاری، رفتاری و نظارتی است و درک صحیح آن مستلزم نگاه سیستمی و توجه همزمان به بسترهای شکل‌گیری، ابعاد گوناگون، پیامدهای مترتب و عوامل تعدیل‌گر است. این مدل می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی در حوزه ثبات سود و همچنین مبنایی برای طراحی سیستم‌های ارزیابی و پیش‌بینی ریسک نوسان سود در شرکت‌ها قرار گیرد.

• **نوسان‌های محیطی:** پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها با استفاده از روش‌های اقتصادسنجی مانند مدل‌های واریانس

ناهمسانی شرطی خودرگرسیون، نوسانات نرخ ارز و قیمت مواد اولیه را پیش‌بینی کرده و سناریوهای مختلف را در بودجه‌بندی سالانه لحاظ کنند. حسابرسان رسمی باید در گزارش‌های خود افشا کنند که شرکت تا چه میزان وابستگی به متغیرهای پرنوسان دارد و چه مکانیسم‌هایی برای تعدیل این اثرات پیش‌بینی کرده است. همچنین پیشنهاد می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت‌های صنایع با نوسان ذاتی بالا را ملزم به ارائه گزارش‌های فصلی شفاف‌تر در مورد اقلام حساس به نوسان‌های محیطی کند تا سرمایه‌گذاران بتوانند ریسک بی‌ثباتی سود را بهتر ارزیابی کنند.

• **ساختار مالکیت:** به شرکت‌های با مالکیت متمرکز توصیه می‌شود با تشکیل کمیته حسابرسی قوی و مستقل،

نظارت بر فرآیند گزارشگری مالی را افزایش دهند و انگیزه مدیریت برای هموارسازی سود را کاهش دهند. سرمایه‌گذاران نهادی فعال باید در مجامع عمومی خواهان شفافیت بیشتر در مورد نحوه مواجهه مدیریت با نوسان‌های سود شوند. همچنین پیشنهاد می‌شود سازمان بورس، افشای ساختار مالکیت و نوع مالکان را در صورت‌های مالی سالانه الزامی کند تا تحلیلگران بتوانند ارتباط بین نوع مالکیت و بی‌ثباتی سود را در مدل‌های خود وارد کنند. حسابرسان نیز باید در گزارش خود به مواردی که ساختار مالکیت می‌تواند بر کیفیت گزارشگری تأثیر بگذارد، اشاره صریح داشته باشند.

- **دامنه نوسان:** پیشنهاد می‌شود شرکتها در گزارش‌های سالانه خود، علاوه بر سود خالص، شاخص دامنه نوسان را به عنوان نسبت انحراف معیار سود به میانگین سود یک دوره پنج ساله محاسبه و افشا کنند. تحلیلگران مالی می‌توانند از این شاخص برای مقایسه ریسک شرکت‌های مختلف در یک صنعت استفاده کنند. همچنین به حساب‌برسان توصیه می‌شود در برنامه‌های حسابرسی خود، بر روی دوره‌هایی که دامنه نوسان سود به طور غیرعادی افزایش یافته است، تمرکز بیشتری داشته باشند و علت آن را در گزارش خود منعکس کنند. سرمایه‌گذاران نیز می‌توانند با پایش این شاخص، از تغییرات ناگهانی در وضعیت شرکت آگاه شوند.
- **شدت بی‌ثباتی:** پیشنهاد می‌شود شرکتها با استفاده از مدل‌های شناسایی شوک، شدت نوسان‌های ناگهانی سود را اندازه‌گیری کرده و منابع ایجاد شوک (داخلی یا خارجی) را تفکیک کنند. مدیریت ارشد باید برنامه‌های واکنش سریع برای مواجهه با شوک‌های شدید طراحی کند و این برنامه‌ها را در اختیار هیئت مدیره قرار دهد. حساب‌برسان رسمی موظف شوند در صورت مشاهده شوک‌های شدید و غیرمنتظره در سود، مراتب را فوراً به کمیته حسابرسی گزارش دهند. سازمان بورس نیز می‌تواند با تعریف شاخص هشدار زود هنگام مبتنی بر شدت بی‌ثباتی، شرکت‌های بحرانی را شناسایی و تحت نظارت ویژه قرار دهد.
- **افزایش ریسک پیش‌بینی سود:** پیشنهاد می‌شود تحلیلگران مالی در مدل‌های پیش‌بینی خود، به جای تکیه بر روندهای ساده خطی، از مدل‌های ناهمسانی واریانس شرطی استفاده کنند تا خطای پیش‌بینی کاهش یابد. شرکت‌ها باید در ارائه راهنمای سود دامنه پیش‌بینی را با توجه به شدت بی‌ثباتی تاریخی خود گسترش دهند و از ارائه اعداد نقطه‌ای پرهیز کنند. سازمان بورس می‌تواند الزام کند شرکت‌هایی که بیش از یک انحراف معیار بالاتر از میانگین صنعت بی‌ثباتی دارند، پیش‌بینی‌های خود را با فاصله اطمینان حداقل نود درصد ارائه دهند. سرمایه‌گذاران نیز باید از خطای پیش‌بینی تاریخی هر شرکت به عنوان یکی از معیارهای ارزیابی ریسک استفاده کنند.
- **کاهش ارزش بازار:** به مدیران اجرایی توصیه می‌شود در صورت مواجهه با بی‌ثباتی مزمن سود، برنامه‌های مشخصی برای کاهش نوسان‌ها (مانند متنوع‌سازی سبد محصولات یا پوشش ریسک مالی) طراحی و اجرا کرده و نتایج آن را به صورت فصلی به بازار گزارش دهند. حساب‌برسان باید در گزارش خود به صراحت اعلام کنند که آیا بی‌ثباتی سود ناشی از عوامل موقتی است یا ساختاری و مزمن. تحلیلگران مالی می‌توانند با ارائه گزارش‌های مستقل در مورد ارتباط بین بی‌ثباتی سود و ارزش بازار، به سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری کمک کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران نهادی قبل از سرمایه‌گذاری در شرکت‌های با بی‌ثباتی سود بالا، مطالبه حاشیه امنیت بیشتری در قیمت سهام داشته باشند.
- **راهبری شرکتی:** پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها مکانیسم‌های راهبری شرکتی را تقویت کنند، از جمله تشکیل کمیته حسابرسی با اکثریت اعضای مستقل و برگزاری جلسات منظم بدون حضور مدیرعامل. هیئت مدیره باید به

صورت دوره‌ای اثربخشی مکانیسم‌های کنترلی در کاهش بی‌ثباتی سود را ارزیابی کند. حساب‌برسان رسمی موظف شوند در گزارش خود به موارد ضعف در راهبری شرکتی که می‌تواند به بی‌ثباتی سود دامن بزند، اشاره کنند. سازمان بورس نیز می‌تواند با انتشار دستورالعمل راهبری شرکتی خاص برای شرکت‌های پرنوسان، استانداردهای حداقلی را تعیین نماید. سرمایه‌گذاران نیز باید در ارزیابی خود، امتیاز راهبری شرکتی را جزء معیارهای اصلی تصمیم‌گیری قرار دهند.

• **رژیم نظارتی:** پیشنهاد می‌شود سازمان بورس و اوراق بهادار، چارچوب نظارتی مبتنی بر ریسک را اجرا کند که در آن شرکت‌های با بی‌ثباتی سود بالا و سابقه مدیریت سود، با دفعات بیشتری مورد بازرسی قرار گیرند. تدوین استانداردهای حسابداری خاص برای افشای منابع و ابعاد بی‌ثباتی سود، از دیگر پیشنهادها اجرایی است. حساب‌برسان رسمی باید در گزارش خود سطح انطباق شرکت با الزامات افشای مرتبط با بی‌ثباتی سود را به صورت کمی و قابل مقایسه گزارش دهند. همچنین پیشنهاد می‌شود نهادهای ناظر، سیستم پاداش و جریمه را به گونه‌ای طراحی کنند که شرکت‌هایی که شفاف‌تر بی‌ثباتی سود خود را افشا می‌کنند، مشوق دریافت کنند. سرمایه‌گذاران نیز می‌توانند با رای دادن به اعضای هیئت مدیره، بر اجرای مؤثر رژیم نظارتی در شرکت تأثیر بگذارند.

۶. منابع و مآخذ

۱. ترک زهرانی، دریائی، محمدی خشوئی & حمزه. (۱۴۰۳). بی‌ثباتی اقتصاد کلان، شاخص‌های حکمرانی خوب و مدیریت سود در بازار سرمایه ایران. *دانش حسابداری مالی*، ۱۱(۳)، ۱۲۹-۱۵۹.
۲. ترک زهرانی، علی، دریائی، عباسعلی و محمدی خشوئی، حمزه. (۱۴۰۴). بررسی نقش ویژگی‌های شرکت در رابطه بین بی‌ثباتی اقتصاد کلان و مدیریت سود. (e24223). *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، (۱)، e24223.
۳. تنانی، محسن و نصرتی، سعید. (۱۴۰۲). نوسانات سود و تاخیر در گزارش حسابرسی. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۱۲(۴۵).
۴. منصوری محمدآبادی، فاطمه، تفتیان، اکرم و معین‌الدین، محمود. (۱۴۰۵). بررسی نقش تعدیلگر شرایط نااطمینانی اقتصادی و سودآوری بر رابطه بین قیمت سهام و افشای ریسک آینده‌نگر با استفاده از رویکرد ایستا و پویا. *مدیریت دارایی و تامین مالی*، ۱۴(۱).

1. Arianpoor, A., & Esmailzadeh Asali, F. (2023). The impact of earnings volatility, environmental uncertainty and COVID-19 pandemic on accounting comparability in an emerging economy. *Asian Review of Accounting*, 31(4), 612-630.
2. Blundell, R., Bollinger, C. R., Hokayem, C., & Ziliak, J. P. (2025). Interpreting cohort profiles of life cycle earnings volatility. *Journal of Labor Economics*, 43(S1), S55-S82.
3. Brewer, M., Cominetti, N., & Jenkins, S. P. (2025). What do we know about income and earnings volatility?. *Review of Income and Wealth*, 71(2), e70013.
4. Ganong, P., Noel, P. J., Patterson, C., Vavra, J. S., & Weinberg, A. (2025). Earnings instability (No. w34227). National Bureau of Economic Research.
5. Jolly, N. A., & Wagner, K. L. (2023). Work-limiting disabilities and earnings volatility. *Labour Economics*, 81, 102333.

6. Lim, R. S. Y., Ong, F. Y., & Wong, R. (2026). The nexus between IFRS 9 and rule of law on banks' earnings volatility. *Asian Review of Accounting*, 1-17.
7. Mabandla, N. Z., & Marozva, G. (2024). The effect of earnings volatility on capital structure: A case of oligopolistic banking sector. *Global Business Review*, 09721509241301120.
8. Mansour, K., & Hussainey, K. (2026). Does earnings volatility mediate the relationship between IFRS 15 and firm value? Evidence from emerging markets. *Journal of Applied Accounting Research*, 1-31.
9. Moffitt, R., Abowd, J., Bollinger, C., Carr, M., Hokayem, C., McKinney, K., ... & Ziliak, J. (2022). Reconciling trends in us male earnings volatility: Results from survey and administrative data. *Journal of Business & Economic Statistics*, 41(1), 1-11.
10. Oktris, L., Fadjaranie, A., Daito, A., & Hasan, Z. R. B. A. (2025). Environment Uncertainty, Earnings Volatility and Their Role in Financial Statement Fraud?. *Jurnal Akuntansi*, 29(1), 48-69.
11. Putri, R. L., & Willim, A. P. (2024). Analysis of the effect of assets structure, earning volatility and financial flexibility on capital structure in consumer goods industry sector companies on the Indonesia stock exchange. *LBS Journal of Management & Research*, 22(1), 25-36.
12. Ugras, Y. J., & Ritter, M. A. (2025). Market reaction to earnings announcements under different volatility regimes. *Journal of Risk and Financial Management*, 18(1), 19.
13. Yahaya, O. A. (2025). Women directors and earnings volatility. *Journal of Management and Business*, 18(6), 1-44.
14. Yasin, M. Y. (2025). Board gender diversity and ESG performance: the moderating role of earnings volatility in Australian publicly listed firms. *Meditari Accountancy Research*, 33(7), 88-117.
15. Ziliak, J. P., Hokayem, C., & Bollinger, C. R. (2022). Trends in earnings volatility using linked administrative and survey data. *Journal of Business & Economic Statistics*, 41(1), 12-19.

Designing a model of the reported earnings volatility phenomenon using the ISM method

Hamid RavanPak Nodej^{*1}

Iraj Asadi²

Abstract

The present study was conducted with the aim of designing a model of reported earnings volatility using a mixed approach. Reported earnings volatility is one of the fundamental challenges in financial analysis and corporate performance evaluation, and identifying the dimensions and factors affecting it is of vital importance for investors and regulatory bodies. The statistical population included financial accounting professors, financial experts of listed companies, and statutory auditors in Tehran, and 20 people were selected randomly based on theoretical saturation. In the qualitative part, data were collected through structured interviews and analyzed using content analysis and coding in MaxQuda software. In the quantitative part, a fuzzy interpretive structural modeling questionnaire was used and analyzed with MATLAB software. Qualitative findings led to the identification of four main categories of components including formation contexts (environmental fluctuations, ownership structure, operating profit quality, accounting practices), instability dimensions (volatility range, instability severity, duration, pattern of changes), consequences (decreased investor confidence, increased profit forecast risk, stock price volatility, decreased market value), and intervening factors (corporate governance, management stability, industry risk, regulatory regime). Quantitative results showed that the relationships between these components are well-fitting and the proposed model can be used as a comprehensive tool for analyzing and managing reported profit volatility. The validity of the model has been confirmed through expert validation and structural relationship analysis with a high confidence coefficient.

Keywords

Earnings volatility, earnings volatility, earnings quality, corporate performance.

1. Department of Economics and Accounting, Iranian Institute of Electronic Higher Education, Tehran, Iran. (*Corresponding Author: Hamid.ravanpak@iranian.ac.ir).

3. Master's degree student in Accounting, Iranian Electronic Higher Education Institute, Tehran, Iran. (I.asadi25@gmail.com).